

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

عرض شد که در مساله استطاعت، تهیه مقدمات استطاعت که همان زاد و راحله باشد واجب است به وجوب عقلی و مسامحه در آن اولاً موجب ترک واجبی از واجبات است و در ثانی چنانچه در این بین قبل از اتیان به این تکلیف اگر فوتی عارض بشود این طبعاً یعد تارک الحج و مسائلی که راجع به این قضیه است بر او مترتب خواهد شد. بنابراین از اول بلوغ که زمان تعلق تکلیف است، مکلف باید به دنبال تهیه مقدمات حج به عنوان وجوب اطلاقى برود.

این مطلب قبلاً عرض شد که آن حجة الاسلام که از باب بنی الاسلام علی الخمس: الصلاة و الزکوة و الخمس و الصوم و الحج و الولاية و ما نودی بشئ کما نودی بالولاية^۱، از این جهت حجة السلام گفته می‌شود که از نقطه نظر تکلیف، قوام اسلام بر این چند چیز است و آن چه که در روایات است یک مرتبه است.

روایاتی در این زمینه از ائمه علیهم السلام دارد که روایت یکی از امام صادق علیه السلام و یک روایت از امام رضا علیه السلام است که این ها را عرض کردیم و گرچه در آیه اطلاق است و لله علی الناس حج البيت من استطاع الیه سبیلاً اگر ما در روایات و در سنت حکم به کفایت مرة واحدة نداشتیم اطلاق آیه مقتضای تکرار بود چنانچه بعضی ها حکم به تکرار داده اند برای کسی که می‌تواند و استطاعت رفتن را داشته باشد، و لکن در روایات نسبت به این مساله تصریح شده است که فقط همان یک بار برای انسان واجب است و آن حجة السلام فقط یک مرتبه است، بقیه حج‌هایی که انجام می‌دهند این ها حج استحبابی است و تأکید شده لحاجة

مثلاً فرض بکنید امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: لا تتركوا حج بيت ربكم فتهلكوا و قال من ترك الحج لحاجة من حوائج الدنيا لم تقض حتى ينظر الى المحلقين^۲ یا مثلاً واللّه واللّه فی بیت ربکم لا تخلوه ما بقیتم فانه ان ترک لم تناظروا^۳ خب در این جا حضرت تأکید می‌کنند به مساله حج، تأکیدی که در این جا شده حکایت از همان استحباب شدیدی است که در این جا دارد و لکن مساله اصلی همین است، مثلاً از امام رضا علیه السلام سوال‌های شدیدی از سوال‌های که از حضرت کردند این بود که علة فرض الحج مرة واحدة

۱- کافی جلد ۲ باب ۲۱ و وسائل الشیعه جلد ۱ باب ۱۷

۲- وسائل الشیعه کتاب الحج باب ۴ حدیث ۹

۳- وسائل الشیعه کتاب الحج باب ۴ حدیث ۱۰

۳- وسائل الشیعه کتاب الحج باب ۳ حدیث ۳

۱- وسائل الشیعه کتاب الحج باب ۳ حدیث ۲

چيست؟ حضرت تصريح می فرماید لأنّ الله تعالى وضع الفرائض على أدنى القوم قوّة فمن تلك الفرائض الحجّ المفروض واحداً ثم رغب اهل القوّة على قدر طاقتهم^۱ این دیگر در این جا جنبه ترغیب دارد نه جنبه تکلیف و همین طور در آن روایت دیگر روایت فضل بن شاذان است که این هم باز همان است منتهی خب با سند متفاوت هست ولی روایت دیگر روایت امام صادق علیه السلام است مربوط به احمد بن محمد خالد برقی که حضرت می فرماید ما کلف الله العباد إلا ما يطيقون إنّما کلفهم فی اليوم و اللیلة خمس صلوات (الی ان قال): و کلفهم حجّة واحدة و هم يطيقون اکثر من ذلك ولكن این یک حج در این جا تأکید شده. خب در این جا ما می بینیم که این روایات تصریح دارد و همین طور مرام و روش خود ائمه علیهم السلام هم بر همین قیاس بوده که همان یک مرتبه حج را آنها تکلیف می کردند و سنت بر این مساله مستقر بوده اما در بعضی از روایات می بینیم که در این جا مساله فرض است و این از مسائلی است که خب باید راجع به آن صحبت شود و فرض را به معنای استحباب و این ها گرفته اند، بعضی از فقها فتوا دادند برای کسانی که قوت بدنی و مالی دارند که این ها باید بیش از یک مرتبه و هر چند سال یک مرتبه حج را انجام بدهند.

و در این جا روایاتی داریم مثلاً در روایاتی که مؤید این مطلب و مساله است، عجیب روایتی دارد در احتجاج، احتجاج بر خوارج، در این جا خود امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند: و لیس علی الاوصیاء الدعاء الی انفسهم انّما یبعث الله الانبیاء فیدعون الی انفسهم و الوصی فمدلول علیه مستغن عن الدعاء الی نفسه و قد قال الله عزوجل و لله علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلاً و لو ترک الناس الحج لم یکن البیت لیکفر بترکهم ایاه و لکن کانوا یکفرون بترکهم ایاه لأنّ الله قد نصبه لکم علماً و كذلك نصبنی علماً حیث قال رسول الله صلی الله علیه و آله یا علی أنت منی بمنزلة الکعبة تؤتی و لا تأتی^۲ خیلی روایت عجیبی است عرض کنم این روایتی که دارد راجع به مساله ازید از مرة واحده، آن قدر روایات زیاد است که آن روایتی که مورد نظر بود، چندتا روایت هم در این جا هست که این ها را شما خودتان بروید پیدا کنید مربوط به حج متعدد که جنبه فرض دارد چند روایت است که فقها بر طبق این فتوا دادند بر این که حج به طور مکرر واجب است و در آن جا جنبه فرض داشت: **إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَرَضَ الْحَجَّ عَلَى أَهْلِ الْجِدَّةِ فِي كُلِّ عَامٍ^۳** یعنی افرادی که تمکن دارند.

در این جا روایت دلالت بر فرض می کند بر این اساس بعضی ها مثل مرحوم صاحب حدائق و امثال ذلك

^۱ ۲- وسائل الشیعه کتاب الحج باب ۳ حدیث ۱

^۲ ۳- وسائل الشیعه کتاب الحج باب ۷ حدیث ۴

^۳ ۱- کافی جلد ۴ صفحه ۲۶۶

ایشان حکم به وجوب حج داده اند برای کسانی که اکثر من مرة واحدة تمکن بدنی و مالی دارند از طرفی این روایاتی که داریم از امام رضا علیه السلام و همین طور از امام صادق علیه السلام روایت احمد بن خالد برقی که این ها صراحت در این داشت که مرة واحدة و حتی در بعضی از این روایات تصریح بود بر این که و هم یطیقون اکثر من ذلك یعنی عبارت عین تصریح است.

لذا بر این اساس در این جا مثل مرحوم صاحب جواهر آمده اند روایات فرض را هم حمل بر استحباب کردند و فرمودند مقصود از فرض در این جا همان ندب است که مستحب است انسان این عمل را انجام بدهد. خب این یک وجه حملی که طبعاً می شود گفت چاره‌ای جز این نیست از یک طرف روایات دلالت بر فرض می کند و در آن فرض آمده فرض هم به اصطلاح ظهور در وجوب و تکلیف وجوبی دارد از یک طرف روایات مقابل که روایات صریح و صحیح هم هست روایت خالد و همین طور روایت از امام رضا علیه السلام خب این روایت صریح است و همین طور سنت هم بر این مساله بوده یعنی سنت در زمان ائمه علیهم السلام همین حج به عنوان مرة واحدة بوده این مساله به مساله حجیت اجماع کار ندارد که این متنی است.

در این جا خب این حمل بر استحباب باید بشود ولی صحبت در این جاست که چرا امام علیه السلام مساله را به عنوان استحباب مطرح نکرده اند؟ خب می گفتند مستحب است یا مستحب مؤکد است این تعبیر به فرض آوردن برای چه حضرت در این جا این را مطرح می کنند؟ این نکته‌ای است که مجتهد باید به این نکته بپردازد، امام علیه السلام وقتی یک مطلب را می فرماید با عبارت‌های که ما می گوئیم فرق می کند آن عبارت و کلام امام کلام معصوم است و معصوم خطا نمی کند و عین واقع را کما هو هو بازگو می کند مستحب باشد می گوید مستحب واجب باشد می گوید واجب و غیر از این ها باشد آن را بیان می کند این مساله فرض باعث شده است که فقها بعضی ها برای اهل جده حکم به وجوب کنند که این ظهور فرض در این جا برای اهل جده، ظهور در وجوب است و حمل کردند این روایات را بر افرادی که از اهل جده نیستند و آن روایتی را که حمل شده از احمد بن خالد برقی که دارد هم یطیقون اکثر طاقت را به معنای صرف الاستطاعة قرار دادند نه آن استطاعت متعارف یعنی برای کسی که بتواند حتی با تحمل مشاق به حج برود این منظور امام است.

و همین طور در آن روایتی که از امام رضا علیه السلام است و حضرت در آنجا تصریح دارد که مرة واحدة این را منظور حضرت به ادنی الناس است که جنبه غالبی دارد برای افراد مخصوصاً در آن زمان که شدّ رجال از اماکن بعیده خیلی مشکل بود هر کسی بخواهد بیاید و مخصوصاً مشیا بیاید چه طور این که در بعضی روایات هست که مشیا بخواهد انجام بدهد این جنبه غالبی مساله اقتضا می کند که حج همان مرة واحدة به این کیفیت در این جا جعل شده باشد پس این فقها حمل کرده اند روایاتی که دلالت بر وجوب حج مرة واحدة می کند را بر اغلبیت ناس و همین طور بر افرادی که آن ها استطاعتشان یک استطاعت عادی نیست یعنی

می‌توانند بروند ولیکن با تحمل مشقت و این‌ها که در آنجا خدا این تکلیف را از آنها برداشته است افرادی که مثل فقها و عموم افرادی که در این جا حج را همان مرة واحده می‌دانند این روایات فرض را حمل بر استحباب کرده‌اند و گفته‌اند مستحب است ما در مقابلش روایات صریح داریم خب روایت خالد در آن جا تصریح دارد که حضرت می‌فرماید امام صادق علیه السلام فرموده و هم یطیقون اکثر ولكن این حج تکالیف بر ادنای از این وضع شده.

حالا ما در این جا چه کنیم؟ کدام یک از این دو مساله را در قبال خود ملزم از نقطه نظر تحصیل ملاک ما در این جا می‌دانیم از آن طرف روایات دارد فرض علی اهل الجده واجب است لعل این که شما بگویید بله آن حج برای کسانی که استطاعتشان در حد یک مرتبه است آن دسته از روایات است این روایات هم که منافاتی ندارند این روایت هم که می‌فرماید فرض علی اهل الجده بسیار خوب هر کسی که متمکن است بایستی این قدر انجام بدهد مثل این که آن کسی که متمکن است فرض کنید تمکن دارد مثل کسی می‌ماند که کفاره‌ای به او تعلق می‌گیرد و هر مقداری که می‌تواند به همان مقدار شصت تا مسکین را باید بدهد حالا فرض کنید این ده تا مسکین بیشتر نمی‌تواند طعام بدهد باید همان ده تا را بدهد نمی‌شود گفت چون شصت تا مسکین را نداری بنابراین به عنوان یک واجب ارتباطی نه ده تا را باید بدهی به جایش احکام ترتیبی هم داریم که فان لم یجد کذا در این آیاتی که داریم که اگر این نتوانست آن بعدی اگر نتوانست این بعدی این مساله حکایت از این می‌کند که خداوند این مطلب را در اینجا بر اساس توان فرد قرار داده آن کسی که می‌تواند شصت مسکین را طعام بدهد باید شصت مسکین را طعام بدهد یا این که نسبت به هر کسی که در سایر افراد هست فرض کنید در مورد جهاد آن کسی که مال ندارد چیزی ندارد فقط خودش هست و یک شمشیر بایستی با همان یک شمشیر خودش جهاد کند حالا اگر کسی این استطاعت بیشتر دارد مرکب دارد چه دارد باید آنها را هم داخل در مساله جهاد کند اگر کسی فرض کنید اموال دارد آن اموال را باید صرف در جهاد کنند هر شخصی به میزان استطاعتی که دارد به همان میزان تکلیف نسبت به او بالاتر می‌رود و تکلیف یک به اصطلاح ازدیاد بیشتری پیدا می‌کند لعل این که مساله حج هم از همین باب باشد امام علیه السلام از یک طرف می‌فرماید که حج واجب است مرة واحده برای کسانی که یک مرتبه می‌توانند بروند و اغلبیت این طور است و از آن طرف می‌فرماید فرض اهل الجده برای کسانی که می‌توانند به بیشتر از این‌ها بروند دوتا تکلیف جداست و لله علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلا هم که اطلاقش فقط به تحقیق تکلیف به مرة واحده نیست لله علی الناس حج البیت هر کسی که می‌تواند باید حج را انجام بدهد خب کجای این داریم که یک دفعه بروی؟ با یک مرتبه رفتن حکم شرعی در این جا ساقط شد ولی آیا حکم شرعی استمرار ندارد؟ مثل این که فرض کنید من بگویم اکرام عالم عادل برای شما واجب است، خب شما آمدی یک عالم عادل در این دنیا پیدا کردی که یکیش هم پیدا نمی‌شود شما

آمدی یک عالم نیم چه عادلی را پیدا کردی و اکرامش کردی یعنی این حکم مولا دیگر تمام شد؟ یا نه این حکم مولا استمرار دارد دوباره هفته بعد چشمتان به یک عالم نیمچه عادلی افتاد ثلثش ربعش و خمسش هم بود فرض کنید بگذاریم روی سرمان اگر پیدا کردید باز در این صورت باید چه کار کنید؟ آن حکم اکرم بیاید مگر این که استنباط بشود که آن تکلیف برای مرة واحده است که با تحقق خارجی آن مکلف به آن تکلیف هم ساقط می شود.

پس نفس خود آیه نه دلالت بر مرة می کند و نه دلالت بر تکرار، بلکه با جنبه اطلاقی خودش آن تکرار استفاده می شود نه این که از خود لفظ تکرار فهمیده بشود فرق می کند بگوئیم که لله علی الناس حج البيت متکرراً لمن استطاع الیه سبیلاً یا لله علی الناس حج البيت مرة واحده لمن استطاع الیه سبیلاً این جنبه اطلاق دارد الان هم چند سال از این قضیه گذشته آیا آن حکم باز راجع به ما هست یا نه؟ خب لله علی الناس حج البيت در این جا شامل خواهد شد.

پس هم آیه در این جا دلالت بر اطلاق می کند اطلاق آیه مقتضای تکرار خواهد بود و همین طور روایاتی که بر روایات فرض در این جا هست آن هم دلالت بر این مساله می کند انه یجب وجوباً کفائاً که البته ایشان تعبیر به وجوب کفایی کردند یکی روایت کافی است که می فرماید عن علی بن جعفر روایت از موسی بن جعفر علیه السلام است حضرت می فرماید إن الله عزوجل فرض الحج علی اهل الجده فی کل عام نه این که چند سال یک مرتبه چهار سال یک مرتبه فی کل عام و ذلك قوله عزوجل لله علی الناس حج البيت من استطاع الیه سبیلاً و من كفر فان الله غنی عن العالمین یعنی همین مطلبی را که من عرض کردم همین مطلب را امام موسی بن جعفر به عنوان اطلاق گیری تکرری که از اطلاق گیری اخذ اطلاق از آیه است همین مطلب را حضرت دارد به این دلیل که لله حضرت نمی فرماید لله علی الناس حج البيت با انجام دادن مکلف تکلیف ساقط می شود امر دلالت بر چی می کند؟ مرة واحده می کند اتیان به مکلف نه، شاید حضرت هم اصول خوانده بودند حضرت این اصول های چرت و پرت ما را که نخوانده اند اصولی که آنها خواندند اصولشان با ما فرق می کند قال قلت: فمن لم یحج منا فقد كفر قال: لا ولكن من قال: لیس هذا هكذا فقد كفر خب این یک روایت روایت دیگر روایت از امام صادق علیه السلام است ان الله عزوجل فرض الحج علی اهل الجده فی کل عام ببینید این روایت ها روایت های صریح است آن روایت محمد بن یعقوب عن عدة من اصحابنا، عدة من اصحابنا خیلی روایت را به اصطلاح صحتش را بالا می برد بعد سهل بن عن موسی بن قاسم البجلی عن محمد بن یحیی و همه این ها از علی بن جعفر که برادر موسی بن جعفر است یاد می کنند روایت دوم روایتش این ها همه سندش صحیح است روایت سوم روایت علی بن ابراهیم است عن محمد بن اسماعیل عن الفضل بن شاذان عن ابن ابی عمید که خیلی روایت صحیحی است عن عبدالرحمن بن الحجاج قال: قلت لابی عبدالله علیه السلام الحج

علی الغنی و الفقیر؟ فقال: الحج علی الناس جميعاً کبارهم و صغارهم فمن کان له عذر عذره الله^۱ خب این روایت بر این مساله چیز ندارد خیلی، روایت دیگر بسیار سندش صحیح است محمد بن یحیی است محمد بن احمد است که همان خالد باشد عن یعقوب بن یزید است ابن ابی عمید عن ابی جریر القمی عن ابی عبدالله علیه السلام حضرت باز می فرماید الحج فرض علی اهل الجده فی کل عام^۲ روایت دیگر روایت حدیفه است که به نظرم این باید چیز باشد با مختصر تصرفی در سند که حضرت در این جا باز این را می فرماید روایت دیگر روایت صدوق است محمد بن علی بن الحسین در علل، احمد بن محمد عن ایبه عن السنندی بن الربیع آن هم فرد موثقی است عن محمد بن ابی القاسم عن اسد بن یحیی عن شیخ من اصحابنا قال: الحج واجب علی من وجد السبیل فی کل عام^۳ این هم باز در این جا این مساله را حضرت به این کیفیت بیان می کند که خب البته در این جا دارد که شیخ این روایات را حمل بر استحباب کرده و بعد البته این را مثل این که سابق هم عرض کردیم و بعضی ها گفته اند که منظور این است که کسی که در سنه اول انجام نداده در سنه بعدی کجای روایت این را می گوید؟ این جا دیگر زدن به خاکی است رفتن در خاکی، حضرت می فرماید فی کل عام چه ربطی دارد به این که ما بگوییم برای کسی که انجام نداده سال بعدش منظور حضرت است؟ خیلی عجیب است! خوب نیست این طور صحبت کردن صحیح نیست آدم خوب است که بگوید نمی دانم نه این که بیاید روایت را این طور معنا کند فان لم يفعل وجب فی الثالثه چه ربطی دارد قضیه والا قرب ما قلناه من الوجوب الکفائی ایشان مرحوم صاحب وسائل این را حمل بر وجوب کفایی کردند که از باب این که آن به اصطلاح در همان مثل وصایای امیرالمؤمنین که داریم لا تترکوا حج بیتکم که بیت الله را از حاج نگذارید که خالی باشد الله فی حج بیتکم و همین طور روایاتی که داریم که تأکید شده بر عدم خلو بیت الله روایاتی که حاکم اسلام واجب است که افرادی را در صورت عدم حج بفرستد برای حج که بیت الله خالی نباشد از مجموع این روایات مرحوم صاحب وسائل باز ایشان یک قدری نزدیکتر به مساله بررسی کردند که حمل به وجوب کفایی کردند مساله فرض ولكن مطلب به نظر می رسد که بالاتر از این حرفهاست.

اللهم صل علی محمد و آل محمد

۱- وسائل الشیعه کتاب الحج باب ۲ حدیث ۱

۲- وسائل الشیعه کتاب الحج باب ۲ حدیث ۲

۳- وسائل الشیعه کتاب الحج باب ۲ حدیث ۳